IRANA ESPERANTISTO

IREA
Irana Esperanto-Asocio

پیام سبزاندیشان

Kultura sezon-revuo en la persa kaj Esperanto N-ro: 14, Dua serio, Somero 2015

فصلنامه‌ی فرهنگی دوزبانه‌ی فارسی و اسپرانتو، شماره ۱۴، دوره دوم، تابستان ۱۳۹۴

دومین کنگره اسپرانتوی ایران:
اسپرانتو، گفت‌وگو در گستره گیتی

LA DUA IRANA ESPERANTO-KONGRESO:
ESPERANTO, DIALOGI TUTMONDE



به نام خداوند جان و خرد

پیام سبزاندیشان

فصل‌نامه‌ی پژوهشی - فرهنگی دوزبانه‌ی فارسی و اسپرانتو

دوره دوم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۹۴
شماره استاندارد بین‌المللی (ISSN): ۱۷۲۸-۶۱۷۴
تاریخ انتشار نخستین شماره: پاییز ۱۳۸۱

نقل مطالب مجله با ذکر منبع و ماخذ جایز است و از استفاده کنندگان درخواست می‌شود یک نسخه PDF از نشریه‌ای را که در آن مطلبی به نقل از این مجله درج شده است به نشانی اینترنتی مجله ارسال کنند.

مسئولیت مطالب مندرج در این مجله برعهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.

گرافیک وحروفچینی: سبزاندیشان

نشانی‌ها:
پایگاه اینترنتی: www.espero.ir
پست الکترونیک: info@espero.ir

قبل از هر چیز...

شماره‌ای دیگر از مجله را پیش چشم خود دارید. این شماره اندکی پس از برگزاری کنگره جهانی در فرانسه و دومین همایش اسپرانتوی ایران منتشر می‌شود. بنابراین خیلی دور از ذهن نیست که به دلیل مشارکت تعداد زیادی از دوستان در این دو واقعه مهم، کاستی‌ها و کمبودهای آن بیش از حد معمول باشد، و در عین حال طبیعی است که بخش عمده‌ای از صفحات نشریه به نوعی با اخبار و مقالات مرتبط با این دو کنگره مرتبط باشد. البته این را هم بایستی اضافه کنم که به دلیل زمان کمی که از زمان برگزاری این همایش‌ها می‌گذرد، هنوز مطالب، گزارشات و نظرات شما را دریافت نکرده‌ایم و قطعا برای آنچه که شما برای مجله تدارک خواهید دید در شماره‌های آتی فضای متناسبی در نظر گرفته خواهد شد.

نیمه دوم سال جاری برای حرکت اسپرانتوی ایران اهمیت ویژه‌ای دارد چرا که قرار است انتخابات هیات مدیره جدید برای سه سال آینده صورت پذیرد. چنانچه امور طبق برنامه‌ریزی معمول پیش برود، در شماره بعدی معرفی کاندیداها و در شماره زمستان نیز نتایج انتخابات اعلام می‌شود.

Je la nomo de Dio

IRANA ESPERANTISTO

Pajam-e Sabzandiŝan
(Mesaĝo de Verdpensuloj)
ISSN 1728-6174

IRANA ESPERANTISTO
Kultura kaj sendependa sezon-revuo internacia
Dua serio, N-ro 14, Somero 2015

Bonvenas eseoj, artikoloj, raportoj kaj kontribuaĵoj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe. Bonvenas kultur-temaj kontribuaĵoj ĉu en Esperanto ĉu en la persa.

Ĉia presa aŭ elektronika citado aŭ eldonado de materialoj de IRANA ESPERANTISTO, ĉu originale ĉu tradukite en aliajn lingvojn, estas permesata. Bonvole menciu pri la fonto kaj la originala lingvo (t.e. Esperanto aŭ la persa) kaj se eble, informu nin pri eldonaĵo en kiu aperis io de aŭ pri IRANA ESPERANTISTO aŭ/kaj sendu kopion al ni.

Kontribuantoj

* Keyhan Sayadpour
* Simin Emrani
* Nazi Solat
* Hamed Sufi
* Hamzeh Shafiee
* Farzaneh Hakim-Ghods
* Saĝad Daŝtineĵad

Antaŭ ol ĉio...

Jen la fino al la tre okupata kaj plen-programa somero. Post la jubilea kongreso en Francio, kaj la dua IREK en Tehrano, laboro por prepari la revuon ĝusta-tempe estas vere laciga afero; sed feliĉe la materialoj por tiu ĉi numero ne mankas.

Post la aperigo de antaŭa numero, ni ricevis bonajn kaj favorajn reagojn kiuj montras ke la revuo estas konsiderata kaj legata atente. Mi kore dankas vian komprenemon kaj kunhelpon por plibonigi la enhavon kaj la aspekton de nia revuo. Atendante pliajn reagojn kaj komentojn, mi invitas vin por ĝui (espereble) la someran numeron.

Salutas;
Hamzeh Shafiee
Redaktoro

همکاران تحریریه این شماره:

* کیهان صیادپور
* سیمین عمرانی
* نازی صولت
* حامد صوفی
* حمزه شفیعی
* فرزانه حکیم‌قدس
* سجاد دشتی‌نژاد

Mallongigoj uzitaj en ĉi tiu numero

IREA: Irana Esperanto-Asocio
IREJO: Irana Esperantista Junulara Organizo
IREK: Irana Esperanto-Kongreso
IRLEI: Irana Ligo de Esperantistaj Instruistoj
UK: Universala Kongreso

Kovrila Paĝo:
Desegno rilate al la okazigo de IREK-2 kun foto de la kongresanoj en fono.

Lasta paĝo:
Gazalo de Hafezo tradukita far William Auld. La skanitan paĝon de la originala libro sendis al ni S-ro Farhad Vesal el Ŝirazo.

En Ĉi tiu Numero:

در این شماره:

Fotoj de la 100-a UK

تصاویری از صدمین کنگره جهانی اسپرانتو

1 Irana Esperanto-Asocio havis tablon en Movada Foiro por prezenti la movadon en Irano. La okazon ni profitis por informi vizitantojn pri la okazonta kongreso kaj kolekti salut-mesaĝojn por IREK-2.

2 Solena inaŭguro en granda salono Zamenhof kun samtempa projekciado en salonoj Lapenna kaj Hodler.

3 Marde la 28-an de julio okazis KAEM kunsido pri Azia Agado. Jen la komuna foto post la kunsido.

4 La kongreso atestis multajn diversajn programerojn interalie spektakloj, prelegoj, filmo, teatro, muziko ktp.

5 La infanoj partoprenintaj en IIK (Internacia Infana Kongreseto) venis sur podion por saluti la kongresanojn dum la solena fermo.











Fotoj de la 2-a IREK

تصاویری از دومین کنگره اسپرانتو ایران







1 Libroservo estas grava kaj necesa parto de niaj aranĝoj. En la kongreso estis dediĉitaj tri tabloj por ekspozicii kaj vendi librojn, revuojn kaj kompakt-diskojn.

2 Ne kutima programero de la kongreso estis konkurso pri memfotado. La propono pri la konkurso estis bonvena kaj tiu programero fariĝis alloga parto dum paŭzoj.

3 Komuna foto je la fino de ferma ceremonio.

4 Parto de la partoprenantoj faris komunan foton kun esperantaj flagetoj enmane.

5 Matene, je la dua tago de la kongreso, okazis Perslingva seminario kiel flanka programero por publiko, komencantoj kaj nov-aliĝintoj al la movado. La seminarion gvidis d-ro Hamed Sufi.







به بهانه برگزاری دومین همایش اسپرانتو ایران:

اسپرانتو: از آغاز تا اکنون

Novaĵ-Agentejo de Lernanta Asocio (PANA) publikigis raporton pri la Dua Irana Esperanto-Kongreso. La reta ligilo al tiu raporto estas:
http://bit.do/IREK2

Samtempe en alia paĝo aperis perslingva artikolo kun ĉ. 4500 vortoj pri Esperanto titolita "Esperanto: ekde Komenco ĝis Nun". La adreso la tiu artikolo estas:
http://bit.do/IREK-2

9/6/2015 دومین همایش اسپرانتوی ایران دیروز به کار خود پایان داد



Sunday, September 06, 2015 - ٢٢/١١/١٤٣٦ - یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۴

کد مطلب: 390354

آرشیو خبر فرهنگی و هنری

با حضور 55 مهمان ایرانی و غیرایرانی

دومین همایش اسپرانتوی ایران دیروز به کار خود پایان داد

ارسال به نسخه چاپی

خبرگزاری پانا: دومین همایش اسپرانتو در ایران، با موضوع «اسپرانتو، گفتگو در گستره‌ی گیتی» عصر روز گذشته به کار خود پایان داد.

شنبه ۷ شهریور ۱۳۹۴ ساعت 13:45

به گزارش خبرنگار فرهنگی پانا؛ این همایش که در روزهای پنجم و ششم شهریورماه سال جاری در تهران برگزار گردید، میزبان 55 شرکت کننده از تهران، شیراز، سمنان، رشت، قم، اصفهان، کنگاور، کرج و اصفهان و شهرهای دیگر ایران و همچنین 4 اسپرانتودان از کشورهای ژاپن و فرانسه بود. در دومین همایش اسپرانتو در ایران که در سالن اجتماعات سرای محله‌ی شهرك شهید باقری واقع در منطقه‌ی 22 تهران برگزار شد، سه سخنرانی توسط مهمانان خارجی این همایش و پنج سخن‌رانی توسط شرکت‌کنندگان ایرانی همایش، ارائه گردید. این آمار در دوره اخیر همایش بین المللی اسپرانتو که مردادماه امسال در شهر لیل فرانسه برگزار شد، 2800 نفر از 82 کشور دنیا بود.

در دومین همایش اسپرانتو در ایران همچنین سه مقاله از چهار مقاله‌ی خارجی پذیرفته‌شده به همین زبان توسط نویسندگان آن‌ها ارائه شد. به موازات دومین همایش بین‌المللی اسپرانتوی ایران، سمیناری نیز در سالن دیگری از سرای مجله‌ی شهرك شهید باقری به زبان فارسی برای علاقندان آشنائی با این زبان بین‌المللیِ فراساخته برگزار گردید.

همچنین نمایش‌گاهی از کتاب‌ها، مجله‌ها و پوسترهای اسپرانتو، همزمان با برگزاری این همایش، برپا بود که با استقبال خوبی از طرف شرکت کنندگان در همایش و سمینار فوق‌الذکر روبرو شد.

ازجمله برنامه‌های هنری این همایش، شعبده‌بازی توسط ستایش اعتدالی‌خواه، اسپرانتودان 10ساله‌ی تهرانی، و عباد مقدسی بود که به‌زبان اسپرانتو اجرا شد.

اجرای این همایش و همچنین نخستین همایش اسپرانتوی ایران را «موسسه‌ی فرهنگی هنری فرا روش یسنا» با مدیر مسئولی سید حجت هاشمی یرکی عهده دار بود.



آخرین اخبار و نوشته‌ها درباره بخش اسپرانتوی سایت آموزش زبان Duolingo

مطالب این صفحه از گفته‌های مسئولین بخش اسپرانتوی سایت فوق نقل شده است.

سایت Duolingo سه ماه قبل بخش آموزش اسپرانتو به زبان انگلیسی را افتتاح کرد. تنها ظرف دو روز اول تعداد ثبت‌نام‌کنندگان برای فراگیری این زبان به مرز ده هزار نفر رسید.

تنها در هفته اول افتتاح دوره اسپرانتو، بیست هزار نفر در این سایت ثبت نام کردند و هم اینک این تعداد از یکصد هزار نفر نیز فراتر رفته است. درصد بالایی از این افراد اینک دوره را تکمیل کرده‌اند.

تعداد زبان‌آموزان بخش اسپرانتوی سایت آموزش زبان Duolingo از مرز یکصدهزار نفر گذشت. هر روز نوشته‌های جدیدی از زبان‌آموزانی می‌بینیم که دوره را تکمیل می‌کنند. چه حس زیبایی دارد!

من اخیراً در کنگره جهانی جوانان اسپرانتودان در ویسبادن آلمان شرکت کردم و چهار نفر را دیدم که یادگیری اسپرانتو را از طریق سایت Duolingo شروع کرده بودند و تنها پس از دو ماه، ما با یکدیگر مکالمه می‌کردیم. چه تجربه‌ی باورنکردنی‌ای!

من شنیدم که یکی از زبان‌آموزان ما در یکی از باشگاه‌های اسپرانتوی برلین تمام ساعات بعد از ظهر را به اسپرانتو صحبت کرده است.

چاک اسمیت، یکی از افراد کلیدی این پروژه، می‌گوید: در حال حاضر در این سایت، یادگیری اسپرانتو تنها از طریق زبان انگلیسی میسر است، اما امکان اضافه کردن آموزش اسپرانتو به زبان‌های دیگر در آینده وجود دارد.

ضمناً بسیار هیجان‌زده شده‌ام که زبان‌آموزانی که به انتهای دوره نزدیک می‌شوند، تقریباً نیمی از بحث‌هایشان در سایت تماماً به زبان اسپرانتو است. من این موضوع را در هیچ دوره دیگری مشاهده نکرده‌ام. به همه تبریک می‌گویم و می‌خواهم که به این تلاش بزرگ ادامه دهیم.

Floroj el "La Florejo" de Sadi



Tradukis:
D-ro Keyhan Sayadpour

Malgraŭ la somera varmeco, ankoraŭ freŝas floroj de "La Florejo". Jen flaru ilin:

www.tahrirgar.com

Ĉapitro 2, Rakonto 8

En kunveno, oni laŭdegis grandulon kaj troigis pri liaj belaj karakterizaĵoj. Li ekstaris kaj diris: "Mi estas tia, kian mi estas scia!"

Ho vi! Mia bonec' estas via
koncerno,
Vi scias pri mia ekstero, ne
interno.

Mi ŝajnas bela al l' aliaj,
Sed mi hontas pro mia fikred'.
Ĉiuj admiras pavan voston,
Sed ĝi hontas pro sia pied'!

www.tahrirgar.com

یکی از بزرگان را به محفلی اندر همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می کردند.

سر برآورد و گفت: من آنم که من دانم.

کفیت اذی یا من یعد محاسنی

علانیتی هذا و لم تدر ما بطن

شخصم به چشم عالمیان خوب منظر است

وز خبث باطنم سر خجلت فتاده پیش

طاووس را به نقش و نگاری که هست خلق

تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش

Ĉapitro 2, Rakonto 16

Bonkorulo songîis ke reĝo estis en la paradizo kaj piulo en la infero. Li demandis: "Kio estas la kialo de tiu ĉi supereco kaj la kaŭzo de tiu infereco? La popolo kredas male". Venis voĉo: "Tiu reĝo estas en la paradizo pro intimeco al derviŝoj kaj tiu piulo estas en l' infero pro prksimeco al reĝo."

Vi ne bezonas derviŝan vestaĵon,
Nur bonfaron elektu kiel celon.
Vi ne bezonas derviŝan ĉapelon,
Derviŝu kaj metu Tatar-ĉapelon.

یکی از جمله ی صالحان بخواب دید مر پادشاهی را در بهشت است و پارسایی در دوزخ، پرسید: موجب این درجات چیست و سبب آن درکات؟ که مردم بر خلاف این اعتقاد داشتند.

ندایی آمد که: این پادشاه به خاطر دوستی با پارسایان به بهشت رفت و آن پارسا به خاطر تقرب به شاه، به دوزخ رفت.

دلقت به چکار آید و مسحی و مرقع
خود را ز عملهای نکوهیده بری دار
حاجت به کلاه برکی داشتنت نیست
درویش صفت باش و کلاه تتری دار



Ĉapitro 2, Rakonto 18

Ŝaho alvokis preĝemulon. La preĝemulo decidis uzi medikamenton por maldikiĝi kaj tiel pli grandigi l' estimon de la reĝo. Oni rakontis ke li uzis venenan medikamenton kaj mortis.

Fama kiel kern-hava pistako,
li estis cepo, ŝelo sur ŝelo.
Piuloj preĝantaj hom-direkte,
La kibl' ne estas ilia celo.

Se homo preĝas al Dio sia,
Di' estu l' nura adorat' lia!

عابدی را پادشاهی طلب کرد. اندیشید که داروی بخورم تا ضعیف شوم، مگر اعتقادی که دارد در حق من زیادت کند. آورده اند که داروی قاتل بخورد و بمرد.

آنکه چون پسته دیدمش همه مغز
پوست بر پوست بود همچو پیاز
پارسایان روی در مخلوق
پشت بر قبله می کنند نماز

چون بنده خدای خویش خواند
باید که به جز خدا نداند



بزرگ‌ترین شهر دنیا

روز سی و چهارم

امروز ما در همان طبقه‌ی دوّار گردان صبحانه می‌خوریم. دیدنی‌های باورنکردنی خوراَکی برای صبحانه، ولی متاسفانه آن‌ها توی دیس‌های چینی و توسط زنانی سرو می‌شود که با هل‌دادن میز چرخ‌دار دور تا دور راه می‌روند. آدم می‌تواند انواع و اقسام غذاها را بچشد، تخم‌مرغ‌های فوق‌العاده خوشمزه و رشته‌ی شیرین، تخم بلدرچین، سوپ و چند تا کیک و شیرینی ـ که این‌جا متداول نیست ـ. به نظر ما چینی‌ها صرفه‌جوترین مردم در مصرف شکر در دنیا هستند، زیرا چای را بدون آن می‌خورند، شیرینی نمی‌خورند و چندجور بیسکویت کم‌شیرین دارند. حالا به ما سوپ پای مرغ با ناخن‌های سربالا تعارف می‌کنند که اگر در هر هتل اروپایی بود سرآشپز را درجا اخراج می‌کردند.

امروز روز پربارانی است و کار زیادی نمی‌توانیم انجام دهیم. باید چمدان‌هایمان را مرتب کنیم و ببندیم چون امشب توی کشتی‌ای می‌خوابیم که فردا صبح حرکت می‌کند. این‌جوری پول هتل را برای شب پس‌انداز می‌کنیم. این مساله در بطن سفر نهفته است که به هر کجا عادت می‌کنیم باید آن‌جا را ترک کرده و به جای دیگری نقل مکان کنیم. جریان حکایت آن خره توی کاتالونیاست که برایش چنین اتفاقی افتاد:

“شهردار کاتالونیا فکری داشت که می‌خواست آن را امتحان کند، این که آیا حیوانات خانگی بدون غذاخوردن هم می‌توانند زندگی کنند. این فکر را با خر امتحان کردند، و همه‌چیز عجیب غلت می‌خورد. خر کار می‌کرد و دیگران کاه و یونجه آن را ذخیره می‌کردند. اما وقتی اولین تجربه‌ها داشت نتیجه می‌داد ماجرا تمام شد چون اون خره که داشت به غذا نخوردن عادت می‌کرد، مرد. متاسفانه”.

با کامیونت گو داریم دنبال یک کافی‌نت می‌گردیم. همه‌جا می‌گردیم، تا بالاخره دم پنجره یک خانه مخروبه می‌بینیم نوشته «ADSL» . می‌رویم تو ولی از این‌جا نمی‌توان گزارشی ارسال کرد. تا ووهانو صبر خواهیم کرد و امیدواریم آن‌جا شانس بیش‌تری داشته باشیم.

بازدید از پارکی که در نزدیکی مسیر است و بر روی کوهی در ساحل رود واقع است آخرین دیدار امروز ما قبل از بازگشت به هتل، برداشتن چمدان‌ها و سوار کشتی شدنمان است.

در کشتی تقریبا ما تنها هستیم، چون اکثریت فردا صبح خواهند آمد. امروز ما اولین شب خود را بر روی کشتی سپری می‌کنیم. شب‌های دریایی و رودخانه‌ای و بسیاری دیگر از این قبیل در پیش روست که انتظارمان را می‌کشد.

رود بلند

روز سی و پنجم

”رود آبی“ مانند یانگ زی رودی شناخته‌شده است و ”رود بلند“ طویل‌ترین رود دنیاست که از چین سرچشمه می‌گیرد. طول آن ۶۳۰۰ کیلومتر است که در میان کوه‌های سبز و دیوارهای سنگی که به آن شکوه و شوکت می‌بخشد پیچ و خم می‌خورد. ابتدای آن در کوه‌های چینگ هایو است و نیمی از کشور را از غرب به شرق، طی می‌کند و به دلتای پهنی در سی کیلومتری شانگهای می‌ریزد.

تا ووهانو با کشتی خواهیم رفت، در راه به شانگهای سری زده، و گلوگاه‌های پر ابهت بالای رود را، که حالا مورد تهدید ساخت و ساز بزرگ‌ترین دریاچه مصنوعی جهان قرار گرفته است خواهیم دید. تا چند وقت دیگر عکس‌هایی که ما از این‌جا گرفته‌ایم به تاریخ خواهد پیوست.

شب بر روی کشتی با آرامش سپری می‌شود و با صدای آرام یک اثر کلاسیک از خواب بیدار شدن جالب است. با دقتی شگفت‌آور، راس ساعت ۹ از میان سایر کشتی‌ها، کرجی‌های بزرگ و بوق‌های آن‌ها راهی می‌شویم. بندر چونکینگ در جنوب شرقی واقع شده است، آن‌جا، رود، زندگی است و زندگی در رود جاری می‌شود. سفر بر

روی آن آرامش‌بخش و استراحتگاهی برای ما است. راه صاف و مستقیم در میان سبزی کوهستان طی می‌شود و گاه به‌خاطر آبشاری چین و شکن برمی‌دارد و گاه خانه یا شهری حاشیه‌ای را می‌بینی، گاه به گاه آرم ایستگاه‌های صندوق استاندارد حمل و نقل را به‌همراه درناها مشاهده می‌کنی. وجود این صندوق‌ها اهمیت رود را برای حمل و نقل کالا آشکار می‌سازند.

این‌جا فقط می‌توانیم با یک جوان آمریکایی که با دوست چینی‌اش از پکن راهی سفر شده حرف بزنیم. او نیز چون یک چینی ترتیب بلیط را برایش داده است اکنون سوار این کشتی است. جهانگردها با کشتی‌های مخصوصی که ویژه این کار است سفر می‌کنند و البته گران‌قیمت‌تر است اما شرایط بهتری دارد. ما با کم‌بضاعتی سفر می‌کنیم، زندگی را در داخل این کشور می‌بینیم، ولی شرایط برای ما محدود است.

جان در نیویورک به دنیا آمده است و مقیم پنساکولا است. مادرش در بوفالو و پدرش در بروکلین است. او صورت مثالی یک شهروند امریکایی است. نوه یا نتیجه‌ی مهاجران به امریکا بدون هیچ ریشه و اصل و نسبی در شهر یا مکانی. یکی از آن آدم‌هایی که سالی یک بار یک هواپیما می‌گیرند و به دیدن مادربزرگ‌شان در خانه سالمندان می‌روند. برای کاتالونیایی‌هایی که به یک تکه زمین که از اجدادشان به آن‌ها رسیده مصلوب شده‌اند و به هیچ ترتیب این وضع را تغییر نمی‌دهند چنین آدم‌ها و زندگی‌هایی کلا قابل درک نیست. در حقیقت شرکت‌های چند ملیتی روسای خود را از قوم ایبری استخدام می‌کنند، چون عمدتا این‌ها ترجیح می‌دهند که شغل خود را عوض کنند تا شهر محل اقامت خود را تغییر دهند حتی اگر به قیمت از دست‌دادن پست و سمت شغلی و پولشان باشد.

آب‌های خاکی‌رنگ کم‌کم در حالی‌که کشتی آرام و از نوک دماغه به سمت دریا در نور کم‌رنگ به جلو می‌رود ناپدید می‌شوند. این منظره آن‌قدر خیال‌انگیز است که قطعا به سفر ارزش می‌بخشد.

ساعت ۱۰ شب کشتی توقف می‌کند و جوان امریکایی با دوست چینی‌اش می‌روند غذا بخورند. امکانات غذایی‌مان به ظرف‌های کوچکی از ماکارونی خشک، آبجو و چندتا بیسکویت تقلیل یافت، و ما ترجیح می‌دهیم اولین روز آرام‌مان را با گوش دادن به موسیقی لطیف چینی به پایان بریم و در عین حال داریم مطالبی درباره چین و درباره رودخانه‌ای که دارد ما را به‌سوی برنجزارهای مناطق پست و کم‌ارتفاع رهنمون می‌کند می‌خوانیم.

کشتی‌سواری میان سراشیبی‌ها

روز سی و ششم

ساعت ۶ صبح صدایی زنانه با آهنگی مبهم ما را از خواب بیدار می‌کند و تمام نمی‌شود. مثل این‌که خوابیدن ما او را آزار می‌دهد. صدای ضربات بر روی در که کار جان است ما را از تخت بیرون می‌کشد. او اعلام می‌کند که به یکی از ۳ گلوگاه رسیده‌ایم که این اولی است. سریع لباس می‌پوشیم و خارج می‌شویم تا برویم صخره‌های شیب‌دار باابهتی را که بر بالای آب سر برکشیده‌اند تحسین کنیم. جان هم می‌آید تا آن‌ها را نگاه کند، چون پیش‌بینی کرده‌اند که سد ساندوپینگ در ژولای آینده آماده خواهد بود و همه‌چیز را تا ارتفاع ۱۷۵متری به زیر آب خواهد برد. بیش‌تر آن چیزی که ما حالا خواهیم دید، اگر برنامه طبق نقشه پیش رود سال آینده در این موقع از نظر پنهان خواهد بود.

همراه با جان محلی بین سراشیبی‌ها را نگاه می‌کنیم

کمی بگردیم

چونکینگ برابر سی میلیون نفر جمعیت دارد و با این رقم بزرگ‌ترین شهر دنیاست. این شهر مستقیما وابسته به هیات دولت بوده و از وضعیت اقتصادی مخصوصی در مبادلات خارجی بهره می‌برد. شگفت‌آور است که مه فراوان در طول جنگ مانع از بمباران آن می‌شده و به این خاطر در شهر صنایع نظامی حائز اهمیت گردید و گسترش یافت و سپس صنایع فلزات و اتومبیل‌سازی رونق گرفت. به مدد جمعیت سی میلیونی در اطراف آن، شهر به شکل سنتی به عنوان مرکز بزرگ داد و ستد و معاملات عمل می‌کرد.

چونکینگ نیویورک چین است و ما گمان می کنیم، که شباهت میان این دو شهر جالب است، چون حتی تاکسی‌هایش هم زرد رنگ با شیارهای سیاه و سفید دور آن مثل تاکسی‌های نیویورک است. وجود دو رودخانه آن را به یک شبه‌جزیره تجاری با برج‌های مرتفع و قیمت‌های گران تبدیل کرد. رودهای یانگ زی و یالینگو نقشی را که رودهای هودسون و رود غربی اِست ریور در نیویورک ایفا می‌کنند این‌جا همان نقش را دارند. ناحیه اقتصادی این‌جا همان مانهاتان آن‌جا می‌تواند باشد. فقط این‌جا آسمان‌خراشی مانند امپایر استیت و مجسمه آزادی را ندارد که البته ممکن است مشابه آن‌ها هم این‌جا ساخته شود. این‌جا همه‌چیز با سرعت و شتاب انجام می‌شود.

به جز آن، این‌جا دهانه خروجی برای گلوگاه ها است، چونکینگ مالک معابد تائویی و بودایی گوناگونی است، که قرارگیری آن‌ها در بالای کوه اجازه لذت از طبیعت و پانورامای شهر را به بیننده می‌دهد.

و او برای ما موضوعی درباره چین تعریف می‌کند. ۵ ماه است که او آن‌جا مهمان شده و خیلی بیش‌تر از ما چیزهایی را دیده است. با یک پکنی سفر می‌کند که راهنمای جان است؛ تمام هزینه‌ها با جان بوده و دوست چینی‌اش تلاش می‌کند ارزان‌ترین قیمت‌ها را پیدا کند و مراقب همه‌چیز هست. او پیش‌بینی می‌کند ۳۰۰۰ دلار برای هر دوتایی‌شان خرج کند و خوش‌باورانه پولش را پس‌انداز خواهد کرد، چون چینی‌ها خیلی بیش‌تر از غربی‌ها پول می‌گیرند تا از مردم خودشان. قضیه به طور متعارف ساده است، و فقط به آخر هر رقمی یک صفر اضافه می‌کنند. مثلا، اگر ناهاری را که می‌خوری قیمت‌اش ۳ یوآن باشد، از تو ۳۰ یوآن می‌گیرند که کمابیش معادل ۴ دلار است. چون این برای ما هنوز رقمی نیست، کسی گله شکایت نمی‌کند. چیز جدیدی نیست؛ از سال ۱۳۴۰ توی یک کتاب جیبی که موضوعش تجارت بود یک بابایی به نام فرانسیسکو بالدوچی نوشت: ”در اولین جایی که هستی لازم است که بگذاری ریشت بلند شود و آن را نتراشی. سپس به اقتضای وضعیت‌ات یک مترجم راهنما استخدام کنی. نیازی نیست برای این کار پس‌انداز کنی چون یک راهنمای خوب و زرنگ به گونه‌ای برایت کار می‌کند که از این راه آن‌قدر در هزینه‌ها ذخیره می‌کنی و به تو می رسد که تصورش را قبل از سفر در حساب خودت نکرده بودی“.

آب در چین

چینی‌ها نوشیدن آب گرم را به نسبت آب سرد آن‌قدر زیاد دوست‌دارند که همچون ما که دوتا شیر آب یکی گرم و دیگری سرد داریم، آن‌ها یکی برای آب گرم و دیگری آب جوش دارند.

برای نوشیدن آن‌ها عادتا آب جوش را انتخاب می‌کنند و با اشتیاق چنان می‌نوشند که از فاصله دور آن را با سر و صدا ولرم می‌کنند (منظور فوت کردن و هورت کشیدن است. م)

وقتی ما برایشان توضیح می‌دهیم که آب را خیلی سرد می‌خوریم، از ما می‌پرسند آیا معده ما آن را تحمل می‌کند؟ ظاهرا برای معده آب گرم مناسب‌تر است: به این خاطر چینی‌ها وضعیت‌شان طبیعی‌تر است.

سفرش به تبت خیلی بر او تاثیر گذاشته و مرتب راجع به آن صحبت می‌کند. شهر لهاسا، سفرهای اتوبوسی در جاده‌های سراسر گِلی در مناطق کوهستانی و در کوه‌های مرتفع و صرفِ کردن یک هفته برای برگشتن از آن‌جا. در مدتی که آن‌ها داشتند رشته می‌خوردند و آبجو گرم می‌نوشیدند به طور قطع این خاطرات از ذهن‌شان پاک شدنی نخواهد بود.

از آن‌ها می پرسیم که بهترین راه برای رفتن به امریکا چیست، و آیا به‌راحتی می‌شود اتومبیل هم کرایه کرد؟

جان می‌پرسد: کارت اعتباری دارید؟

ــ معلومه، هم ویزا هم کارت اعتباری. اما چه ربطی داره؟

ــ با داشتن کارت اعتباری در امریکا مثل شاه می‌مانی و اعتبار داری، نه مثل این‌جا.

ــ بله، آیا امکان مناسبی برای کرایه اتومبیل هست؟

ــ مناسب‌ترین راه این است که به اداره AAA بروی. آن‌ها نقشه و شرایط مناسبی دارند و ترتیب گواهینامه بین‌المللی و غیره را هم می‌دهند. همه کار می‌توانند انجام دهند.

ــ در مورد جاده‌ها چه توصیه‌ای می‌کنی؟

ــ از مرز مکزیک خیلی ارزان و برای شما بسیار مناسب است، چون آن‌جا مردم اسپانیایی حرف می‌زنند.

اَه! جان می‌دید که ما زبان شکسپیر را داریم چطور سمبل می‌کنیم برای همین هم این را گفت. او ادامه می‌دهد:

ــ آن جاده از لوس‌آنجلس تا جکسون ویل می‌رود و مجانی است. شما می‌توانید از لاس‌وگاس، گراند کانیون، دالاس و نئورلان دیدن کنید و از نزدیکی خانه‌ی من در پنساکولا بگذرید.

درباره‌ی چیزهای بسیاری از او می‌پرسیم، ولی او با تاکید روشنی پاسخ می‌دهد:

ــ وقتی در آمریکا باشید همه‌چیز، همه‌چیز راحت خواهد بود.

امروز جان ما را ترک می‌کند و باعث تاسف است، زیرا ما خوب یکدیگر را درک می‌کردیم و زبان هم را می‌فهمیدیم. آدرس‌هایمان را به همدیگر می‌دهیم و کنجکاوبرانگیز است که در شهر او خیابانی هست که هم‌چون مرکز استان ما ”تاراگونا“ نامیده می‌شود. او توضیح می‌دهد، که خیابان‌های بسیاری در شهر او نام اسپانیایی دارند. او می‌گوید که روی کمکش در امریکا حساب کنیم و ما را به خانه خود دعوت می‌کند، که البته در آن صورت ما باید راه جنوبی را انتخاب کنیم. جان تا شانگهای پرواز دارد و بعد تا پکن و دوباره تا نیویورک. ۱۲ اکتبر او باید در «سیب بزرگ» (مردم نیویورک را

چنین می‌نامند) باشد، چون عروسی خواهرش است.

این سفر را چون در راه برنامه‌ریزی و طراحی می‌کنیم، راجع به هیچ‌چیز نمی‌توانیم مطمئن باشیم و جان می‌گوید اگر بخواهیم نزد او برویم تماس بگیریم. اصلا نمی‌شود حساب کرد طی مسافرت چه اتفاق می‌افتد. درباره جاهای دیدنی نزدیک منزل او حرف می‌زنیم: میامی، با محله‌های باشگاه‌های یانکی کوبایی‌اش، نئولان، با کشتی‌های بخار در رودخانه می سی سی پی خود و مشروب‌فروشی‌هایش با موسیقی جاز، که در آن‌جا نوازندگان سیاه‌پوست پدر سازهای خود را درمی‌آورند تا بتوانند نوای حزن‌انگیز و موثری را بنوازند.

ما هم‌چنین می‌دانیم که الویس پریسلی در توپل Tupel متولد شد. این‌جا هم نزدیک است و شاید از خانه و قبر او بازدید کنیم. در حالی‌که یک مشت عقب مونده از ظاهر او تقلید کرده یعنی از لباس سفید پوشیدنش، موی منگوله‌ای و خط موی بغل گوش که تا روی گونه می‌آمد و ... توی خیابان راه می‌روند. این سلطان جاز را مردم حالا همراهی می‌کنند در حالی که او تنها مرد: این هم از فضیلت مرگ است، که بعضی‌هایی را به زندگی برمی‌گرداند که در طول عمرشان بارها مرده‌اند. خیلی از کشته‌مرده‌های فعلی او ظاهرا نمی‌دانند که وقتی او زنده بود زندگی کرد. الویس به آن دسته از افرادی تعلق دارد که با موفقیت همه‌چیز را خوب می‌فهمند و آن این است که ما هیچ چیز نداریم. این راه را دنبال‌کردن شاید جالب باشد، اگر وقت داشته باشیم، از همه‌ی این شهرهایی که جان گفت لذت ببریم و در ممفیس آبجوخوری کنیم و آواز "شوکه شدم" را در دیسکو کارااوکه شهر به افتخار سلطان جاز بخوانیم.

جان دارد از کشتی خارج می‌شود و به ما یادآوری می‌کند که ادامه سفرمان را از طریق اینترنت برای او شرح دهیم. برایش خیلی جالب بود که ما چطوری این سفر را ترتیب دادیم تا او نیز با دوستش بتواند آن را تجربه و تکرار کند. جان یک دریانورد دیپلمه است و احتمال به یقین برای پیدا کردن کشتی مشکل چندانی نخواهد داشت و به غیر از آن، به عقیده او، در طول سفر می‌تواند کار هم بکند و سفرش تقریبا مجانی تمام شود.

ـــ به امید دیدار در آمریکا.

ـــ امیدواریم. امیدواریم. اگر یکدیگر را ملاقات کنیم خیلی بهتر است چون این‌جوری همه‌چیز OK است.

از ۳ گلوگاه می‌گذریم و نگاه می‌کنیم و فیلم می‌گیریم تا به یاد بماند و چند سال دیگر که برمی‌برگردیم ببینیم که چقدر تغییر کرده است. توی اتاق مسافر جدیدی را کشف می‌کنیم، که وقتی جلوی کامپیوتر می‌نشینیم، امتحان کند ببیند می‌تواند انگشت‌های پایمان را بجود و ریزریز کند. این مسافر جدید موش صحرایی پررویی است که ظاهرا نزد ما کاملا راحت بوده و خیلی بهش خوش می‌گذرد. قربونش برم از شدت گرسنگی کابل تلویزیونی را می‌خورد و برای این‌که ما دوتا جهانگرد کاتالونیایی را یادش بماند برای شام شب به او چندتا بیسکویت می‌دهیم. چون بهتر است بیسکویت را ترجیح دهد تا این‌که صبح از خواب بلند شویم و ببینیم فقط ۴ تا انگشت پا برایمان باقی مانده است.

گذشته از این، موش‌ها معمولا کشتی را ترک می‌کنند، ما زنگ خطر هم داریم. اگر ببینیم که دارد با چمدان‌هایمان از در بیرون می‌رود، دیگر آن‌وقت معطل نمی‌کنیم.

Du Mallongajn mesaĝojn ni ricevis.
Ankaŭ vi legi ilin:

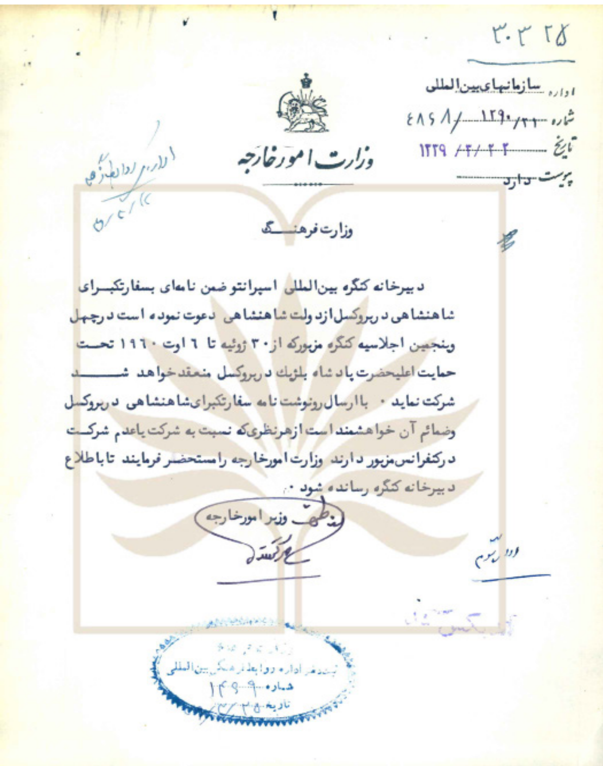
Kara samideano, redaktanto de la irana Esperanto-revuo (mi ne trovis vian nomon, pardonon),
Mi sincere volas gratuli al vi pro via entreprenemo refari la revuon per InDesign kiu vere helpas multe plibeligi ĝin.
Pri Persepolis(o): ĉu vi scias ke mi povis spekti la filmon PERSEPOLIS (de irana filmistino vivante en Francio) kun subtekstoj en Esperanto dum e-kunveno en la franclingva parto de Belgio? Vere interesa.
Sincere via,
Herman Deceuninck

Iranaj geamikoj,
kiel mondcivitano kaj esperantisto, samkiel ano el lando kie ekde 1949 konstitucie oni abolis armeon, mi tre ĝojas, ke finfine Okcidento kaj Irano subskribis gravan traktaton pri nukleaj armeoj. Espereble, tio ankaŭ devus signifi la finon de nejustaj punmezuroj kontraŭ la suvereneco de Irano, kiuj damaĝas antaŭ ĉio la vivmaniero de la popolo.
Esperendas ankaŭ, ke Usono kaj ĝiaj aliancanoj multe pli kontrolu Izraelon, kiel solan (laŭleĝe?) posedanton de nukleaj armiloj en la regiono kaj reala minaco por la internacia paco.
Tre amike kaj solidare,
Hugo Mora Poltronieri
Kostariko

Historia Dokumento

اسناد اسپرانتو

En ĉi tiu numero, ni malkovros leteron de la 45-a UK al la Irana ambasadejo en Bruselo por oficiale informi pri la okazigo de la kongreso kies alta protektanto estis la tiama reĝo Baŭduino. La tiama ministerio pri eksterlandaj aferoj de Irano, sendis la leteron al la ministrio pri kulturo kaj demandis la opinion de tiu ministrio pri eventuala partopreno en tiu kongreso. Ni ne trovis respondon al tiu letero, sed en simila situacio kiu rilatas al la UK en Britio la postan jaron, la ĉefo de la Nacia Komisiono de Unesko en Irano, respondas al la ministrio pri eksterlandaj aferoj. En la respondo ni legas: Partopreni en tiaj kongresoj povas esti tre utilaj, kondiĉe ke tia partopreno ne kaŭzos troan elspezon por la registaro. Se aprobite, eblas ekspedi membron de nia ambasadaro en Londono por partopreni kaj raporti la rezulton al kulturaj centroj kiel Ministrio pri Kulturo, Tehrana Universitato kaj Nacia Komisiono de Unesko en Tehrano k.s.



۳۰۳۲۵

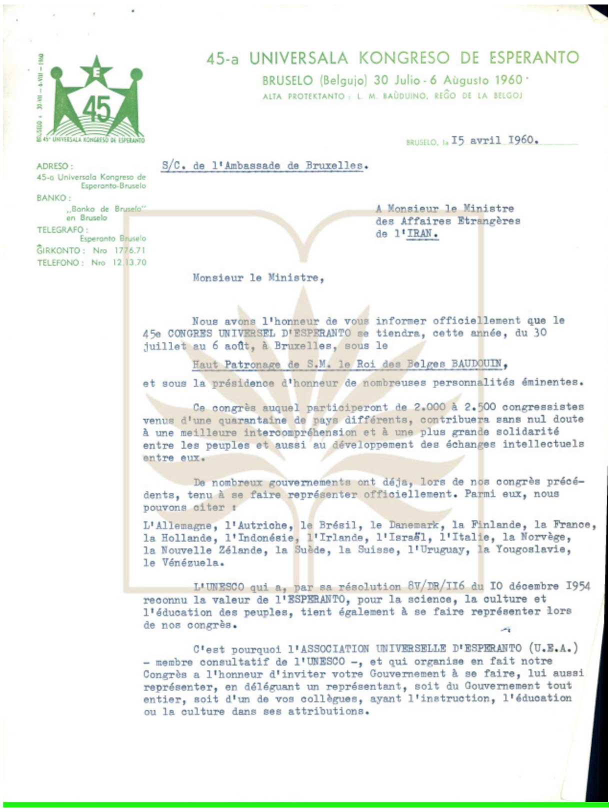
وزارت امور خارجه

اداره سازمانهای بین‌المللی
شماره ۴۸۶۸/۱۲۹۰/۲۲
تاریخ ۱۳۳۹/۲/۲۲
پیوست دارد

وزارت فرهنگ

دبیرخانه کنگره بین‌المللی اسپرانتو ضمن نامه‌ای بسفارتکبرای شاهنشاهی دربروکسل ازدولت شاهنشاهی دعوت نموده است درچهل وپنجمین اجلاسیه کنگره مزبورکه از ۳۰ ژوئیه تا ۶ اوت ۱۹۶۰ تحت حمایت اعلیحضرت پادشاه بلژیک دربروکسل منعقدخواهد شد شرکت نماید. باارسال رونوشت نامه سفارتکبرای شاهنشاهی دربروکسل وضمائم آن خواهشمند است ازهرنظریکه نسبت به شرکت یاعدم شرکت درکنفرانس مزبور دارند وزارت امورخارجه رامستحضر فرمایند تاباطلاع دبیرخانه کنگره رسانده شود.

ازطرف وزیر امورخارجه



45-a UNIVERSALA KONGRESO DE ESPERANTO
BRUSELO (Belgujo) 30 Julio - 6 Aŭgusto 1960
ALTA PROTEKTANTO: L. M. BAŬDUINO, REĜO DE LA BELGOJ

ADRESO: 45-a Universala Kongreso de Esperanto-Bruselo
BANKO: „Banko de Bruselo" en Bruselo
TELEGRAFO: Esperanto Bruselo
ĜIRKONTO: Nro 1776.71
TELEFONO: Nro 12.13.70

BRUSELO, la 15 avril 1960.

S/C. de l'Ambassade de Bruxelles.

A Monsieur le Ministre
des Affaires Etrangères
de l'IRAN.

Monsieur le Ministre,

Nous avons l'honneur de vous informer officiellement que le 45e CONGRES UNIVERSEL D'ESPERANTO se tiendra, cette année, du 30 juillet au 6 août, à Bruxelles, sous le

Haut Patronage de S.M. le Roi des Belges BAUDOUIN,

et sous la présidence d'honneur de nombreuses personnalités éminentes.

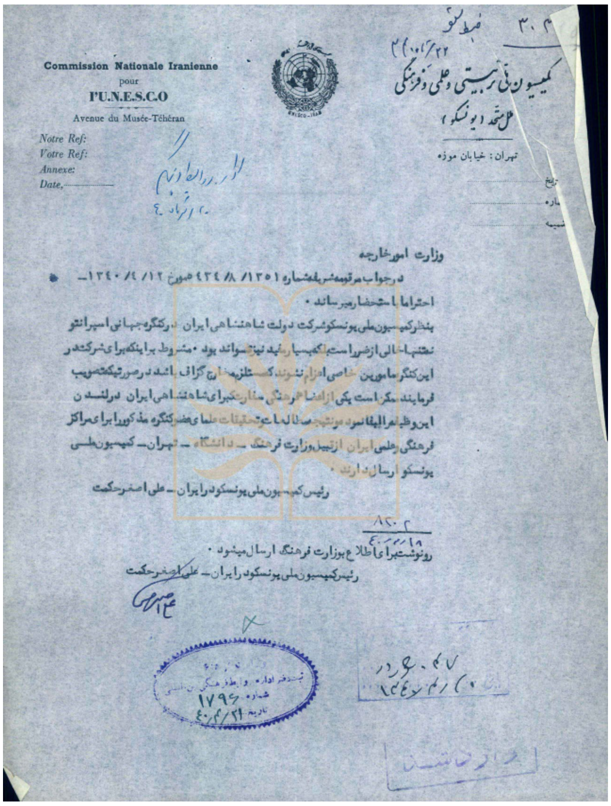
Ce congrès auquel participeront de 2.000 à 2.500 congressistes venus d'une quarantaine de pays différents, contribuera sans nul doute à une meilleure intercompréhension et à une plus grande solidarité entre les peuples et aussi au développement des échanges intellectuels entre eux.

De nombreux gouvernements ont déja, lors de nos congrès précédents, tenu à se faire représenter officiellement. Parmi eux, nous pouvons citer :

L'Allemagne, l'Autriche, le Brésil, le Danemark, la Finlande, la France, la Hollande, l'Indonésie, l'Irlande, l'Israël, l'Italie, la Norvège, la Nouvelle Zélande, la Suède, la Suisse, l'Uruguay, la Yougoslavie, le Vénézuela.

L'UNESCO qui a, par sa résolution 8V/DR/116 du 10 décembre 1954 reconnu la valeur de l'ESPERANTO, pour la science, la culture et l'éducation des peuples, tient également à se faire représenter lors de nos congrès.

C'est pourquoi l'ASSOCIATION UNIVERSELLE D'ESPERANTO (U.E.A.) - membre consultatif de l'UNESCO -, et qui organise en fait notre Congrès a l'honneur d'inviter votre Gouvernement à se faire, lui aussi représenter, en déléguant un représentant, soit du Gouvernement tout entier, soit d'un de vos collègues, ayant l'instruction, l'éducation ou la culture dans ses attributions.



Commission Nationale Iranienne pour l'U.N.E.S.C.O
Avenue du Musée-Téhéran
Notre Ref:
Votre Ref:
Annexe:
Date,

کمیسیون ملی تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)
تهران: خیابان موزه

وزارت امور خارجه

درجواب مرقومه شماره ۱۳۵۱/۸/۴۲۴ مورخ ۱۳۴۰/۲/۱۲ احتراما باستحضار میرساند.

بنظرکمیسیون ملی یونسکو شرکت دولت شاهنشاهی ایران درکنگره جهانی اسپرانتو ... مشروط براینکه برای شرکت در این کنگره ... گزاف باشد ... یکی ازاعضاء ... سفارتکبرای شاهنشاهی ایران درلندن ... فرهنگی وعلمی ایران ازقبیل وزارت فرهنگ ـ دانشگاه ـ تهران ـ کمیسیون ملی یونسکو ارسال دارند.

رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران ـ علی اصغرحکمت

رونوشت برای اطلاع بوزارت فرهنگ ارسال میشود.
رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران ـ علی اصغرحکمت

شرح سند :پاسخ علی‌اصغر حکمت، رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران به وزارت امور خارجه، در مورد منافع شرکت ایران در کنگره ی جهانی اسپرانتو و ارائه‌ی پیشنهاد شرکت یکی از اعضای سفارت ایران در لندن در آن کنگره، برای جلوگیری از صرف هزینه ی زیاد و غیر ضروری و ایجاد امکان بهره‌مندی مراکزی مانند وزارت فرهنگ، دانشگاه تهران و کمیسیون ملی یونسکو از دستاوردهای علمی این همایش.

14

در اینترنت چند نفر از اسپرانتو استفاده می‌کنند؟

در این مقاله، برای نخستین بار در تاریخ زبان اسپرانتو، روشی آسان و تکرارپذیر برای ارزیابی تعداد افرادی که در دنیا از راه شبکه‌های اجتماعی، از اسپرانتو استفاده می کنند، معرفی شده است.

منبع: مجله اسپرانتو شماره ماه می ۲۰۱۵

نویسنده : Amri Wandel   ترجمه: نازی صولت

از ابتدای جنبش اسپرانتو، این سوال که چند نفر اسپرانتو صحبت می‌کنند، همواره مطرح بوده است. ارزیابی قطعی را کنگره جهانی ارائه می‌کند که امسال برای صدمین بار برگزار می‌شود؛ ولی ارزیابی جهانی به دلیل نداشتن آمار قابل اعتماد، مشکل است.

سالها، نتیجه تحقیق و ارزیابی‌های انجام شده بین صدهزار و چند میلیون تغییر می‌کرد. این رقم بر اساس آمار شرکت‌کنندگان در کلاسها، فروش کتابهای آموزشی و یا تعداد اعضای سازمانهای اسپرانتو، اعلام می‌شد. نتیجه، بستگی دارد به اینکه استفاده‌کننده یا صحبت‌کننده زبان اسپرانتو، چگونه تعریف شود. مثلا، همه خریداران کتاب آموزشی، واقعا زبان را یاد نمی‌گیرند و یا همه کسانی که در دوره آموزشی، ثبت نام می‌کنند، آنرا به اتمام نمی‌رسانند! تعداد اعضای سازمانهای محلی و کشوری اسپرانتو، همیشه به‌روز شده نیست، و یا این تعداد، از استفاده‌کنندگان واقعی و یا کسانی‌که به طور واقعی و فعال از اسپرانتو استفاده می‌کنند، بیشتراست. مهمترین کار این است که: آمارگیری جهانی انجام دهیم و برای اطمینان یا برای دنبال کردن تغییراتش، آنرا تکرار کنیم.

شرایط با انقلاب اینترنتی، عمیقا تغییر کرد. در سایت مربوط به دوره آموزشی اینترنتی lernu.net که به طور گسترده و به شکل جهانی (به صورت خودآموز زبان. م) مورد استفاده قرار می‌گیرد، آمار بازدیدکنندگان و ثبت نام‌کنندگان دوره، ثبت می‌شود. ولی این تنها مربوط به بخشی کوچک، حتی بسیار کوچک استفاده‌کنندگان زبان اسپرانتو می‌شود. به ابزار سنجش فراگیرتری نیاز است؛ چیزی که بخش بزرگی از استفاده‌کنندگان اینترنت در جهان، از آن استفاده می‌کنند.

دو شرکتی که به طور جهانی و گسترده بیش از همه مورد استفاده اینترنتی قرار می‌گیرند، موتور جستجوی گوگل و شبکه اجتماعی فیسبوک هستند. آسانترین راه نشان دادن گسترش زبان ما در اینترنت، گوگل کردن (جستجو با استفاده از موتور جستجوی گوگل. م) کلمه اسپرانتو است. در پایان سال ۲۰۱۴ تعداد یافته‌ها حدود صد میلیون بود. با وجودیکه این رقم، اعجاب انگیز است، ولی نمی‌تواند تعداد استفاده‌کنندگان زبان اسپرانتو را نشان دهد.

من در ۲۰۱۳ در چند فهرست اینترنتی و بعد در مجله اسپرانتو، روشی جدید برای ارزیابی تعداد استفاده‌کنندگان اسپرانتو، معرفی کردم. من عمداً لغتهای اسپرانتیست یا صحبت کنندگان به اسپرانتو را بکار نبردم.

آمارهای واقعی

پایان ۲۰۱۴ تعداد استفاده‌کنندگان اسپرانتو یا "صحبت‌کنندگان" ۳۲۰،۰۰۰ نفر بود (یکسال و نیم قبل‌تر این تعداد، ۱۴۰،۰۰۰ نفر بود) این رقم همواره در آدرس زیر قابل کنترل است.

http://on.fb.me/1EOP4Mn



Esperanto | Statistikoj

Kiom da homoj uzas Esperanton en la interreto?

Tiu ĉi artikolo prezentas, verŝajne la unuan fojon en la historio de nia lingvo, objektivan kaj facile refareblan metodon taksi la nombron de la E-uzantoj tutmonde, pere de la sociaj retoj.

Amri Wandel

La demandon kiom da personoj parolas Esperanton oni faras ekde la komenco de la movado. Certan takson prezentas la Universala Kongreso, kiu ĉi-jare okazos por la centa fojo. Sed tutmonda takso estas malfacile farebla pro la manko de fidinda statistiko.

Esploroj kaj taksoj faritaj laŭ statistikoj de kurso-partoprenantoj, lernolibroj vendataj kaj membraro de E-organizaĵoj dum multe da jaroj donis taksojn kiuj variis inter cent mil kaj kelkaj milionoj. Kompreneble la rezulto dependas de tio, kiel oni difinas E-uzanton aŭ parolanton. Ekzemple, ne ĉiu aĉetinto de lernolibro vere lernas la lingvon kaj ne ĉiu kiu komencis kurson finas ĝin. La nombro de membroj en landaj kaj lokaj E-organizaĵoj ofte estas ne ĝisdata aŭ pli altaj ol la nombro de realaj uzantoj kaj aktivaj parolantoj. Nu, plej grave: estas malfacile fari tutmondan statistikon kaj certe ripeti ĝin por certeco aŭ por sekvi la ŝanĝojn.

Tiu situacio funde ŝanĝiĝis kun la interreta revolucio. En la vaste kaj internacie uzata retkurso lernu.net oni tenas statistikon de la vizitantoj kaj registritaj lernantoj, sed kompreneble temas nur pri parto, verŝajne parto malgranda, de ĉiuj E-uzantoj. Evidente oni bezonas mezurilon pli universalan ol tiu; ion, kion uzas granda parto de la retuzantoj en la mondo.

La du plej vaste tutmonde uzataj retaj entreprenoj estas verŝajne la serĉilo Google kaj la socia reto Facebook. La plej simpla maniero demonstri la disvastiĝon de nia lingvo en la interreto estas gugli la vorton Esperanto. En la fino de 2014 la nombro de trafoj estis ĉirkaŭ cent milionoj. Kvankam tiu cifero estas impona, ĝi ne povas implici la nombron de E-uzantoj.

En 2013 mi prezentis en kelkaj retlistoj kaj poste en la revuo *Esperanto* novan metodon taksi la nombron de la E-uzantoj. Mi intence ne uzis la terminojn esperantistoj aŭ E-parolantoj.

Konkretaj statistikoj

Fine de 2014 la nombro de Facebook-uzantoj "parolantaj" Esperanton estis 320 000 (unu kaj duonan jaron pli frue la nombro estis 140 000, vidu la revuon *Esperanto*, oktobro 2013, p. 201). Ĉi tiu nombro estas ĉiam kontrolebla ĉe *http://on.fb.me/1EOP4Mn*.

Iam estis publikigite, ke estas ĉirkaŭ unu miliardo da FB-uzantoj. Tiu nombro plej verŝajne estas troigita, ĉar ĝi inkluzivas multajn neaktivajn kontojn aŭ forpasintojn. Oni povas do supozi, ke malpli ol 10% de la homaro uzas ĉi tiun socian reton. Kombinante tion kun la nombro de "E-parolantoj" en Facebook, oni povus konjekti, ke la nombro de E-parolantoj tutmonde estas pli ol miliono (ekzemple, se 10% de la homaro uzas Facebook, oni devas multipliki la kvanton de ĝiaj uzantoj kiuj indikis, ke ili parolas Esperanton (320 000), per dek por trovi la nombron en la tuta homaro).

Komprenble por serioza takso oni devas konsideri pliajn faktorojn. Ekzemple, la nombro de pretendantoj pri scio de la internacia lingvo verŝajne estas pli alta ol la nombro de efektivaj parolantoj. Tamen tio validis ankaŭ en la antaŭreta epoko, kiam certe multaj membroj de landaj asocioj fakte ne parolis Esperanton, kvankam, pro diversaj kialoj, ili membris en niaj movadaj organizaĵoj. Kontraŭe, "favora" faktoro estas, ke granda parto de la Facebook-uzantoj kiuj parolas Esperanton, ne indikas tion en sia konto, do la vera nombro de E-konantoj en Facebook estas pli granda ol la oficiala. Ekzemple, se duono de la pretendoj pri E-parolkapablo estus falsa kaj eventuale nur duono de la E-parolantoj efektive indikis tion, troviĝas en la mondo ĉirkaŭ tri milionoj da personoj kiuj iugrade konas nian lingvon. La plej serioza kritiko al tiu takso estas kiel dirite, ke supozeble ne ĉiuj, kiuj sin prezentis kiel E-parolantoj, vere parolas la lingvon iniciatitan de Zamenhof. Tamen, verŝajne ili almenaŭ paroletas, aŭ iomete ĝin konas. Eĉ se oni estas konservativa, laŭ tiuj datumoj kaj supozoj eblas taksi, ke almenaŭ unu miliono da personoj en la mondo "parolas Esperanton aŭ iom konas ĝin".

Resume, la interreta E-komunumo estas verŝajne multe pli granda ol la "tradiciaj" nombroj de E-parolantoj, bazitaj sur membro-statistikoj. La interreto kaj aparte la sociaj retoj unuafoje en la historio liveras realan rimedon por taksi la nombron de homoj kiuj parolas, konas aŭ iel rilatas al Esperanto.

esperanto 1291 (5) Majo 2015 | 115

زمانی چنین منتشر شده بود که حدود یک میلیارد نفر از فیسبوک استفاده می‌کنند. این عدد، اغراق آمیز است؛ چرا که شامل بسیاری از استفاده کننده‌های غیرفعال یا آنهایی است که درگذشته‌اند. می‌توان فرض کرد که کمتر از ۱۰٪ مردم از این شبکه اجتماعی استفاده می‌کنند. از ترکیب این نکته با تعداد " صحبت‌کنندگان" اسپرانتو در فیسبوک، می‌توان نتیجه گرفت که تعداد صحبت‌کنندگان اسپرانتو در کل دنیا بیش از یک میلیون نفر است (مثلا اگر ۱۰٪ مردم از فیسبوک استفاده کنند، باید تعداد استفاده‌کننده‌هایی که عنوان کرده‌اند اسپرانتو صحبت می‌کنند(۳۲۰،۰۰۰) را در ۱۰ ضرب کرد تا تعداد کل به دست آید.

قاعدتا برای ارزیابی دقیق باید عوامل بیشتری مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال، تعداد کسانی که وانمود می‌کنند زبان بین‌المللی را می‌دانند، بیش از تعداد صحبت‌کنندگان واقعی است. با این وجود، این نکته در زمان پیش از اینترنت هم صدق می‌کرد؛ زمانی‌که مسلماً بسیاری اعضای سازمانهای کشوری، اسپرانتو صحبت نمی‌کردند. با این وجود به دلایل مختلف، این افراد عضو سازمانهای جنبش بودند. برعکس، عامل "مثبت" این نکته است که بخش بزرگی از استفاده‌کنندگان فیسبوک که اسپرانتو صحبت می‌کنند، این نکته را در صفحه خود مطرح نکرده‌اند. بنابراین تعداد واقعی اسپرانتودانان فیسبوک، بیش از تعداد رسمی است. برای مثال، اگر نیمی از کسانی‌که وانمود می‌کنند توانایی اسپرانتو صحبت کردن دارند، واقعی نباشند و اگر تنها نیمی از صحبت کنندگان اسپرانتو، این نکته را عنوان کرده باشند، در دنیا حدود سه میلیون نفر وجود دارند که تا حدی زبان اسپرانتو را می‌شناسند.

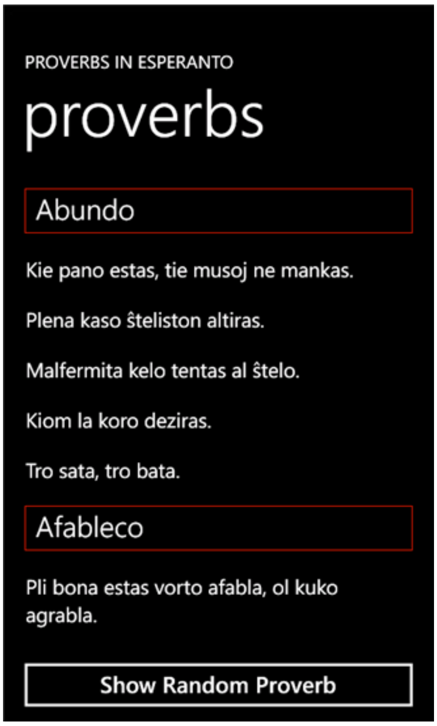
جدی‌ترین انتقاد این ارزیابی، همانطور که قبلا عنوان شد، این است که تمامی کسانی که وانمود می‌کنند اسپرانتو صحبت می‌کنند، به زبان ابداعی زامنهوف صحبت نمی‌کنند. با این‌حال به نظر می‌رسد این افراد کمی صحبت می‌کنند یا کمی با آن آشنایی دارند. حتی اگر محافظه کار باشیم، براساس اطلاعات و فرضیه‌های اشاره شده، می‌توان ارزیابی کرد که دست کم یک میلیون نفر در سراسر دنیا "اسپرانتو صحبت می‌کنند، یا کمی با آن آشنایی دارند".

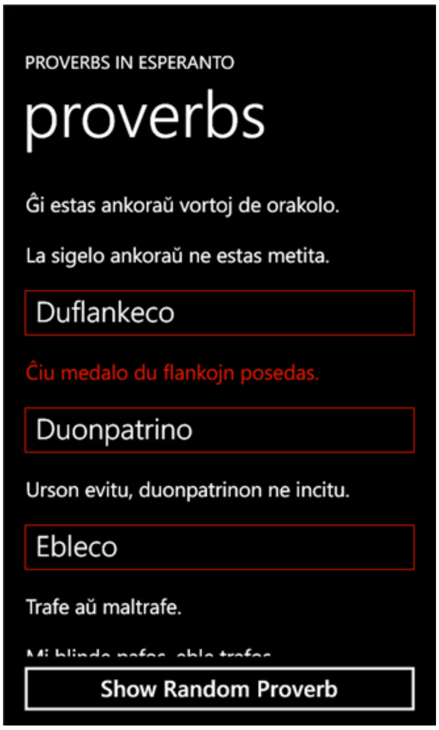
خلاصه، جامعه اسپرانتو در اینترنت، به نظر می‌رسد بسیار بزرگتر از تعدادی است که بر اساس داده های مربوط به آمار اعضای انجمن‌ها و سازمان‌ها (یا به عبارت دیگر ارزیابی "سنتی") به زبان اسپرانتو صحبت می‌کنند. اینترنت و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، نخستین بار در تاریخ، ابزاری واقعی برای ارزیابی تعداد کسانی‌که به زبان اسپرانتو صحبت می‌کنند، آنرا می‌شناسند و یا به‌گونه‌ای با آن در ارتباطند، در دسترس قرار داده است.

4 esperantaj senpagaj aplikaĵoj por ''windows phone''

Saĝad Daŝtineĵad

1- ''proverbs in esperanto'' enhavas pli ol 3000 esperantajn proverbojn. Vi povas legi proverbojn per kategorio aŭ hazarde.





2- Per ''intense esperanto'' vi povas lerni pli ol 100 vortojn en unu tago. Ĉi tiu aplikaĵo helpas vin por lerni novajn esperantajn vortojn .

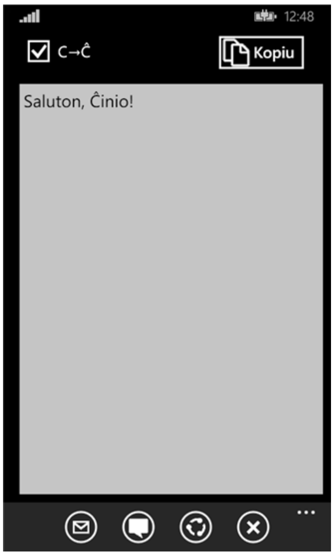




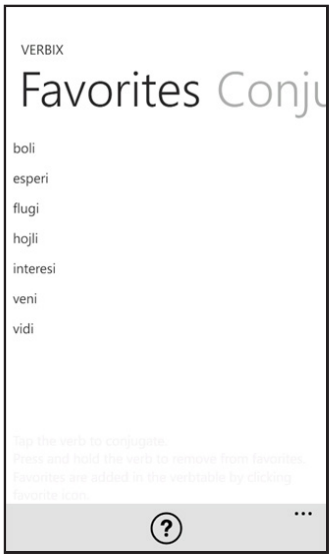
3-''Esperanta Klavaro'' estas bonega aplikaĵo por esperantistoj, per ĝi vi povas skribi specialajn esperantajn literojn. Vi ankaŭ povas traduki vortojn per ''google translate''

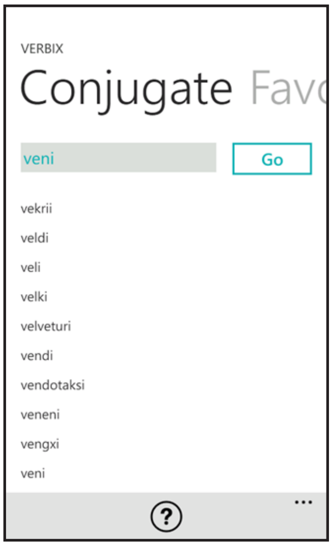
4- ''verbix esperanto'' enhavas pli ol 4300 esperantajn verbojn. En ĉi tiu aplikaĵo vi povas serĉi verbojn kaj ankaŭ vi povas formeti verbojn en favorata listo.

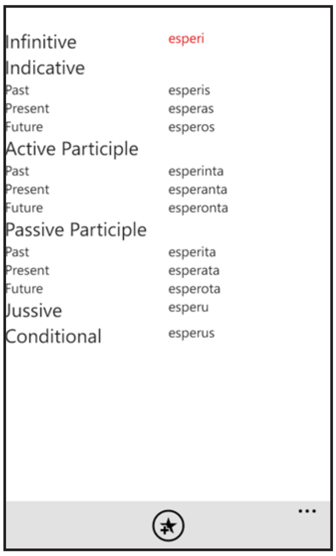












Mesaĝoj Ricevitaj

Post kiam la kongresa libro de IREK-2 estis presita kaj preta por disdoni, ni ricevis tri salut-mesaĝojn al la partoprenantoj de la kongreso. Bedaŭrinde ne eblis aperigi ilin en la kongresa libro. Do, ili estis laŭt-legita dum la inaŭguro de la kongreso, kaj nun aperas sube por via informo.

LEE JUNGKEE:

Estimataj gekongresanoj,

Okaze de la 2-a Irana Esperanto-Kongreso mi kore gratulas kaj sendas samideanecan aplaŭdon por via sukcesa kongreso. Kiel la partoprenanto de la 1-a kongreso, ankoraŭ mi entenas neforgeseblan memoron pri via historia unua kongreso. Vere, la enhavo de la unua kongreso surprizis min pro ĝia altnivela lingvokapablo kaj enhavriĉa kongresa programo. Mi konfesas al vi, ke tiam mi trovis novan esperon de nia movado en via bela lando Irano.

Mi ne dubas, ke vi, iranaj samideanoj brile kontribuos ne nur por azia sed ankaŭ por tutmonda movado. Senpacience mi atendos vian fruktplenan raportaĵon pri via dua kongreso.

Sukceson kongreson! Samideane via, LEE Jungkee (estrarano de UEA)

INUMARU FUMIO:

Gratulon pro la okazigo de la dua irana kongreso de Esperanto, kiu sekvas la unuan sukcesan kongreson lastajaran! Kvankam Irano havas longan historian de Esperanto-movado, vid-al-vida renkontiĝo dum la kongreso malfermas novan sferon de movado. Ĉeestantoj akiros senton de solidareco, pli profundan reciprokan komprenon kaj forton al plia utiligado de Esperanto. Krome vi ekklopodis progresigi rilaton al gesamideanoj en najbaraj landoj, per la invito al la kongreso. Ĉeesto de alilandaj esperantistoj montras rekte utilecon de Esperanto kaj donas plezuron de amikiĝo trans landlimoj. Mi taksas alte viajn klopodojn kaj atingojn. Mi deziras plenan sukceson de la kongreso. Amike Via,

INUMARU Fumio

FIRDAUS ŜUKUROV:

Karaj samideanoj, amikoj kaj gastoj,

esperantistoj de Taĝikio sincere gratulas vin okaze de la 2-a Esperanto-kongreso!! Ni deziras al vi fruktodonan laboron en amikeca etoso!!

Ni esparas partopreni en la 3 -a IK.

Amike, estraro de AET

S-ro Masud Gudarzi, El la urbo Boruĝerdo, anocis planon por ekskurso al Turkio okaze de la 9-a Mezorienta Kunveno. Li sendis al ni kaj al interreto la suban mesaĝon por inviti la dezirantojn partopreni la programon. IREA publikigas lian anoncon, tamen ne havas respondecon pri la plano.

Saluton al ĉiuj

Kiel vi scias 9-a Mezorienta-Esperanto-kunveno okazos en tiu ĉi loko (ÜRGÜP/URGUPO - TURKUJO) kaj en tiu ĉi dato:1-a ĝis 4-a de aprilo 2016

Amikoj kiuj ŝatas partopreni en 9-a Mezorienta-Esperanto-kunveno povas partopreni en mia ekskurso antaŭ tiu ĉi dato kaj poste ĉiuj partopreni en kunveno.

Jen programo de ekskurso al Turkio kaj partopreni en 9-a Mezorienta Esperanto-kunveno:

Programo de ekskurso al Urgup(Turkio): 28.03.2016~06.04.2016

Urboj:Tehran-Antalya-Konya-Urgup-Konya-Tehran

28.03_forflugo de Tehran al Antalya, alveno en Antalya, tranokto en hotelo en Antalya.

29.03_matenmanĝo, viziti de Bazaro, tagmanĝo, alveno al hotelo, vespermanĝo,tranokto en hotelo en Antalya.

30.03_matenmanĝo, forveturo al Konya per buso, tagmanĝo, poste viziti de Molana Tombejo, vespermanĝo,tranokto en hotelo en Konya.

31.03_matenmanĝo, forveturo al Urgup per buso,tagmanĝo, alveno en hotelo,vespermanĝo, tranokto en hotelo en Urgup.

01.04– matenmanĝo, partopreni en 9-a Mezorienta Esperanto-Kongreso

02.04 – matenmanĝo, partopreni en 9-a Mezorienta Esperanto-Kongreso

03.04_matenmanĝo,partopreni en 9-a Mezorienta Esperanto-Kongreso

04.04_matenmanĝo, partopreni en 9-a Mezorienta Esperanto-Kongreso

05.04_matenmanĝo, forveturo al Konya, tagmanĝo, alveno en hotelo, vespermanĝo, tranokto en hotelo en Konya.

06.04_matenmanĝo,forflugo al Tehran.

kun koraj kaj varmaj salutoj

Masud Godarzi

El Boruĝerdo

masud8422@yahoo.com

MI AMIS VIN

A. Naumann.

Mi amis vin! Senkore vi ne vidis
Varmegan, puran mian amon.
Konfesis mi — sed tiam vi nur ridis
De l' am' unua koran flamon!

Kaj longe mi suferis . . . Vin, amita,
Mi ne forgesis; sed en koro
La flama amo estas estingita,
Pri ĝi nur restis rememoro.
Sed kial vi, mi petas al mi diri,
Pasintan en mi amon movas?
Por nove ridi? koron mian ŝiri?
Ne, mi suferi pli ne povas!

Ne povas mi . . . ĉar multe mi suferis;
Kor' malvarmiĝis de l' doloro;
Ĉar ami mi jam tute malesperis,
Ĉar kredi vin ne povas koro.

مهرت به دل داشتم

مهرت به دل داشتم! سنگدلانه، نظری نیفکندی
بر عشق پرشرار و ناب ام.
اقرار داشتم، شعله پراحساسِ عشق نخستین را!
--- از تو اما تنها خنده ای
.

و روزگارانی دراز در رنج بودم ... دلسپرده به تو،
فراموشم نخواهم شد؛ ولیکن در دل
این عشق پرشرر، خموشیده است،
تنها یادیست از آن باقی.
ولیکن سخن بر آر، چرا،
به جنبش می افکنی مهر دیرینه‌ام را؟
و دگرباره خنده می داری؟ مرا دلشکسته می سازی؟
نه، در من دگر یارای رنج نیست!

یارای آن ندارم... چه آنکه گزاف رنج کشیده ام؛
دل از درد، به سردی گرائیده؛
چه آنکه از مهرورزی، پاک دل شسته ام،
چه آنکه دل، تو را باور نتواند.

مترجم: دکتر حامد صوفی
منبع شعر: آنتولوژی اسپرانتو، ویلیام آلد

تقویم تاریخ اسپرانتویی

مدتها بود که تعداد زیادی از دوستان خواستار تدوین گاه‌شمار وقایع اسپرانتویی بودند، اخیرا دوست عزیزمان جناب دکتر حامد صوفی گام نخست برای تهیه این گاه‌شمار را برداشتند و متن زیر را به عنوان پیش‌درآمدی بر موضوع برای درج در نشریه و دعوت از همگان برای تکمیل آن ارسال نمودند. از سایر خوانندگان درخواست داریم که در جهت کامل نمودن این مطلب یاری‌گر ما باشند.

فروردین

* ۴ فروردین ۱۳۹۳ : برگزاری نخستین کنگره ملی اسپرانتو در ایران (توسط انجمن اسپرانتوی ایران)
* ۵ آوریل ۲۰۱۴ (۱۶ فروردین ۱۳۹۳) : آغاز به کار شبکه تلویزیونی آنلاین اسپرانتو (Esperanto-Televido: ETV) در استرالیا
* ۱۴ آوریل ۱۹۱۷ (۲۵ فروردین ۱۲۹۶) : درگذشت خالق زبان اسپرانتو، لودویک زامنهوف

اردیبهشت

* ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ : ابلاغ بخشنامه ای از سوی اداره کل آموزش و پرورش تهران مبنی بر برگزاری جلسات آموزشی زبان اسپرانتو برای دبیران زبان خارجه و جامعه شناسی.
* ۱ مه (۱۱ اردیبهشت) : روز جنبش کارگری اسپرانتو (Laborista Esperanto-movado)

خرداد

* ۷ خرداد ۱۳۵۹ : نخستین جلسات آموزشی اسپرانتو برای بیش از ۶۰۰ دبیر در سطح استان تهران برگزار گردید.
* ۲۸ مه ۲۰۱۵ (۷ خرداد ۱۳۹۴) : دوره آموزشی اسپرانتو به زبان انگلیسی در وبسایت دوئو لینگو (Duolingo) راه اندازی شد. در ظرف یکماه از راه اندازی این بخش، بیش از سی و پنج هزار زبان آموز در دوره های آموزشی آن شرکت نمودند.
* ۲ ژوئن (۱۲ خرداد) : روز زبان اسپرانتو (Tago de la Esperanta Lingvo)
* ۱۱ ژوئن ۱۸۵۷ (۲۱ خرداد ۱۲۳۶) : زادروز پدر ادبیات اسپرانتو آنتوان گرابوفسکی

تیر

* ۱ جولای ۲۰۱۱ (۱۰ تیر ۱۳۹۰) : آغاز به کار رادیوی اینترنتی موزائیک (Muzaiko)
* ۱۲ جولای ۲۰۰۶ (۲۱ تیر ۱۳۸۵) : شهر هرتسبرگ آم هارتس در آلمان بطور رسمی تحت عنوان شهر اسپرانتو (La Esperanto-Urbo) نامگذاری گردید.

مرداد

* ۲۶ جولای ۱۸۸۷ (۴ مرداد ۱۲۶۶) : تولد زبان اسپرانتو با انتشار کتاب اول (Unua Libro)
* ۳۱ جولای ۲۰۱۴ (۹ مرداد ۱۳۹۳) : تیم فوتبال اسپرانتو (Esperanta teamo de futbalo) نخستین بازی خود را به طور رسمی در مصاف با جمعیت ارامنه آرژانتین (argentinarmena komunumo) در ضمن نود و نهمین کنگره جهانی اسپرانتو در آرژانتین برگزار نمود.
* ۵ آگوست ۱۹۰۵ (۱۴ مرداد ۱۲۸۴) : برگزاری نخستین کنگره جهانی اسپرانتو
* ۱۳ آگوست ۲۰۱۴ (۲۲ مرداد ۱۳۹۳) : دانشنامه اینترنتی ویکی پدیا به زبان اسپرانتو (Vikipedio) از مرز دویست هزار مقاله عبور کرد. زبان اسپرانتو در این پایگاه بر اساس شمار مقالات به جایگاه ۳۳ در میان کلیه زبانهای این پایگاه دست یافت (نزدیک به اسلواکی، دانمارکی و لیتوانیایی).

مهر

* ۲ اکتبر ۲۰۰۹ (۱۰ مهر ۱۳۸۸) : مجلس سنای برزیل، لایحه پیشنهادی مبنی بر تدریس اختیاری زبان اسپرانتو در مدارس این کشور را به تصویب رساند.
* ۶ اکتبر ۱۸۹۱ (۱۴ مهر ۱۲۷۰) : زادروز نویسنده سرشناس در دنیای اسپرانتو، کالمان کلوچای

آبان

* ۳۱ اکتبر ۲۰۱۴ (۹ آبان ۱۳۹۳) : اسپرانتو در فهرست میراث فرهنگی کشور لهستان ثبت شد.
* ۶ نوامبر ۱۹۲۴ (۱۵ آبان ۱۳۹۴) : زادروز شاعر برجسته اسپرانتو، ویلیام آلد (نامزد سه دوره دریافت جایزه نوبل در بخش ادبیات)
* ۱۷ آبان ۱۳۸۷ : برگزاری نخستین شب شعر اسپرانتو (Vespero de Esperanto Literaturo) توسط انجمن اسپرانتوی ایران

آذر

* ۵ دسامبر ۲۰۰۳ (۱۴ آذر ۱۳۸۲) : دانشنامه اینترنتی ویکی پدیا به زبان اسپرانتو (Vikipedio) از مرز ده هزار

IREA Okazigas Balotadon por Nova Komitato

"Karaj amikoj;
Alproksimiĝas la tempo por elekti novan komitaton de IREA. La komitato ekfunkcios ekde la nova Irana jaro, nome la 21-an de Marto. Tiu ĉi mesaĝo celas informi vin kaj inviti por kandidatiĝi. Ĉiuj interesantoj bonvole skribu sinprezenton kaj cel-planon por la periodo de sia komitataneco kaze de elektiĝo. Por tiuj kiuj ne legis la statuton, mi mencias la parton rilate al la komitatanoj:

"**Artikolo 18. Komitatanoj:** La individuaj membroj elektas el listo de kandidatoj, pretigita laŭ la preskriboj en la Ĝenerala Regularo, unu komitatanon por ĉiu 5 individuaj membroj, laŭ la ciferoj je la fino de la antaŭa jaro kaj ĝis maksimume 20 komitatanoj. La minimuma nombro de komitatanoj estas 5."
"**Artikolo 19. Kondiĉoj de Komitataneco:** Komitatano devas esti individua membro de IREA jam dum du jaroj antaŭ la elektiĝo kaj resti individua membro tra la tuta oficperiodo. Ĉiuj komitatanoj estas samrajtaj kaj reelekteblaj. Tamen, komitatano, kiu persone ĉeestis neniun komitatkunsidon dum la du lastaj oficperiodoj, ne estas reelektebla."

La Kalendaro:
- Komenco de la proceduro: 1-an de Mehro (23.09.2015), publikigi la informojn kaj inviti al kandidatiĝo
- limdato por kandidatiĝi: 30-an de Azaro (21.12.2015)
- finpretigo de la listo de kandidatoj kaj prepari la balotilojn: 11-an de Dejo (1.1.2016)
- Sendi balotilojn al la membroj: De 12-an de Dejo ĝis la 1-an de Bahmano (Ĝis 21.1.2016)
- Oni resendos la voĉdon-foliojn al oficejo makzimume ĝis la 1-an de Esfando (20.2.2016).
- La balotoj kaj fina rezulto estu konsiderata en la kunsido dum Esfando (plejeble en nia antaŭnoŭruza renkontiĝo).

مقاله عبور کرد.

- ۸ دسامبر ۱۹۵۴ (۱۷ آذر ۱۳۳۳) : آغاز مشارکت مشورتی (konsulta partnereco) انجمن جهانی اسپرانتو با یونسکو
- ۱۰ دسامبر ۱۹۵۴ (۱۹ آذر ۱۳۳۳) : تصویب قطعنامه یونسکو در حمایت از اسپرانتو به عنوان زبان مناسب در جهت روابط بین الملل
- ۱۵ دسامبر ۱۸۵۹ (۲۴ آذر ۱۲۳۸) : زادروز زامنهوف {از این روز با عناوین روز زامنهوف، روز ادبیات اسپرانتو، روز کتاب اسپرانتو و روز فرهنگ اسپرانتو نیز یاد می شود).
- ۱۵ دسامبر ۱۹۲۹ (۲۴ آذر ۱۳۰۸) : زادروز نخستین بانوی شاعر به زبان اسپرانتو، ماریه هنکل (Marie Hankel)
- ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ (۲۴ آذر ۱۳۸۸) : موتور جستجوگر گوگل در گرامیداشت یکصدوپنجاهمین سالروز زامنهوف، در نماد خود از پرچم اسپرانتو بهره برد.

دی

- ۲ ژانویه ۱۹۷۷ (۱۲ دی ۱۳۵۵) : آغاز پخش رادیو واتیکان به زبان اسپرانتو
- ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ (۲۵ دی ۱۳۵۸) : انتشار نخستین شماره ماهنامه موناتو (Monato)
- ۱۷ ژانویه ۲۰۱۴ (۲۷ دی ۱۳۹۲) : فرهنگ آنلاین اصطلاحات چند زبانه تاتوئبا (Tatoeba) از مرز سیصدهزار "اصطلاح و عبارت" به اسپرانتو عبور کرد. زبان اسپرانتو در این پایگاه به جایگاه دوم دست یافته است (رتبه اول: انگلیسی، سوم: آلمانی).

بهمن

- ۲۹ ژانویه ۲۰۰۴ (۹ بهمن ۱۳۸۲) : به رسمیت شناخته شدن اسپرانتو به عنوان یک "زبان زنده" توسط آکادمی علوم مجارستان.

اسفند

- ۲۲ فوریه ۲۰۱۲ (۳ اسفند ۱۳۹۰) : مترجم آنلاین گوگل ترنسلیت (Google Translate)، زبان اسپرانتو را به مجموعه زبانهای خویش افزود.
- آخرین هفته فوریه (دومین هفته اسفند) : هفته دوستی بین الملل (Semajno de Internacia Amikeco) که برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ پیشنهاد گردید.

Elektita artikolo de la 2-a IREK

Kiel Esperanto helpemas nin savi endanĝerajn lingvojn?

D-ro Hamed Sufi

Ŝahid Beheŝti Universitato de Medicinaj Sciencoj (Tehrano)

Dum la lastaj jarcentoj, homaro perdadis signifan parton de siaj lingvoj en ĉiuj kvin kontinentoj. Krome, kaj tre bedaŭre, ankaŭ nuntempe multaj vivantaj lingvoj estas en grandaj mortoriskoj. La realo estas tio, ke naciaj lingvoj, kiuj volis roli pli grande/grave – specife tiuj de la superpotencoj de la tempo – estis/as englutantaj malpligrandajn etno-lingvojn.

Tamen, tre strange, eĉ iuj fakuloj erare kredas, ke disvastigi Esperanton tutmonde, minacus pluvivadon de aliaj lingvoj kaj eĉ povus konduki al ilia formorto. Malgraŭ ĉiuj se-oj kaj sed-oj kontraŭ la uzado de Esperanto kiel la komuna internacia lingvo, la menciita lingvo estas valorega kaj helpega eĉ por protekti, konservi kaj plivastigi la lingvan diversecon tutmonde.

Unu el la plej gravaj defioj por protektado kaj konservado de la ekzistantaj lingvoj – kaj eĉ por revivigado de la jam mortintaj lingvoj – estas scienca dokumentado de ili, kio povas plenumiĝi per kompilado de ampleksaj dulingvaj dudirektaj vortaroj kaj lernigiloj (prefere kune kun aŭdovidaj rimedoj). Esperanto ja estas helpema kaj lingvistike riĉa interlingvo por tia celo; ĉar pere de ĝi oni povas tre facile kaj fruktodone esprimi difinojn por ĉiuj vortoj kaj farzoj en aliaj lingvoj – kaj kiam ne, ĝi simple povas asimili la vort-radikojn el la koncernaj lingvoj, dank' al sia 15a gramatoka regulo.

Estas konate, ke en tradukado, oni kelkfoje renkontas vortojn kaj frazojn, kiuj estas "netradukeblaj" en aliajn lingvojn. Tiuj vortoj estas ĉefe abstraktaj kaj pro tio, ke ne estas kompreneblaj al parolantoj de alilingvoj, grande riskas miskompreniĝi kaj/aŭ forgesiĝi. Ĉiu lingvo posedas sian propran filozofion kaj ideologion aŭ mondovidon, kaj pro multaj diversaj faktoroj, kiel psikologiaj kaj sociologiaj, kreas netradukeblajn vortojn, defiantaj por tradukiĝo al alilingvoj.

Esperanto posedas tre larĝan gamon de afiksoj (sufiksoj kaj prefiksoj) kaj finaĵoj, kaj kun relative tre malgranda kvanto de vort-radikoj (kio fakte ankaŭ helpegis por ĝia facila ellerniĝo), ĝi kapablas esprimi enormajn ideojn pere de sia tre potenca sistemo de vort-farado. En ĉi tiu artikolo ni vidos, ke Esperanto povas esti utilega por prezenti unu-vortajn kaj precizajn difinojn por alilingvaj "netradukeblaj" vortoj kaj frazoj, kaj kiel studkazon ni konsideros tion rilate al la sistana lingvo.

Sistana lingvo estas unu el la hindeŭropaj lingvoj, kiu estas ĉefe parolata en Irano. Kvankam oficiale ne rekonita kiel specifa endanĝera lingvo, sed en la lastaj jardekoj ĝi perdis relative grandan parton de siaj originalaj vortoj. Malgraŭ kelkaj gravaj sistana-persaj vortaroj, ankoraŭ multaj sistanaj vortoj ne estas tradukitaj ĝuste. Jen ni prezentas kelkajn "netradukeblajn" sistanajn vortojn, kiuj fakte estas tre facile tradukeblaj Esperanten.

1. "azĥoŭ (sistane: a'zkhow)" estas tre uzata sistana vorto por signifi la nocion "vekigi subite". En la angla kaj la persa lingvoj ni ne uzas ajnan kutiman unu-vortan ekvivalenton por tiu nocio; en la angla ni ekvivalente diras "waking someone up seddenly" kaj en la persa ni same diras "ĉorte kasi ra pare

kardan". En Esperanto ni povas facile uzi la vorton: "ekvekigi".

2. "ĥoŝluĉa (sistane: khoshlucha)" estas alia sistana vorto, kiu angle signifas "sister-in-law" ambigue (ĉar ĝi povas signifi ankaŭ edzfratinon) kaj perse signifas "ĥahar-zan". Ni simple, facile kaj unu-vorte povas uzi la vorton "bofratino" aŭ tute senambigue – kiel la persa ekvivalento ĉikaze - "edzinfratino".

3. "driĉĉi (sistane: drichchi)" estas alia speciala sistana vorto, kiu estas uzata kiam du personoj renkontas unu la alian subite kaj neatendite. Angle oni kutime uzas "came across" (I came across my old roommate today.) kaj perse same ni diras "ettefagi didan" (ham-otagi-je sabegamo ra ettefagi didam). Esperante, kiel atendite, ni simple povas uzi vorton "ekrenkonti" aŭ "renkontiĝi".

4. "sukaŝida (sistane: sukashida')" estas alia "netradukebla" sistana vorto por rigardi ion aŭ iun envie. Esperante, denove interesege, ni povas uzi la vorton "envi-rigardi" aŭ pli precize "envi-rigardanti".

5. "ĵapponda (sistane: zhapponda')" estas vorto por montri la nocion "bati ion aŭ iun vigle kaj subite". Esperante, ekvivalente, ni povas uzi "ekbategi".

6. "ŝpul (sistane: shpul)" estas alia speciala sistana vorto, kiu signifas la nocion "fajfi mallaŭte". Esperanto ekipas nin por uzi la ekvivalenton "fajfeti" aŭ "mallaŭtfajfi".

7. "gamuŝt (sistane: ghaamusht)" signifas la nocion "pugnobati vigle", kiun angle oni ekvivalente diras "punch (in the head) vigorously" kaj same perse "moshte mohkam zadan". Esperante, tre simple ni diras "pugnobategi".

8. "goŝnamarg (sistane: goshnamarg)" estas uzata por iu, kiu estas tre malsata, ekvivalente Esperante ni povas diri "malsategulo".

9. "loŭgoŝ (sistane: lowgo'sh)" estas uzata por iu, kiu havas grandajn orelojn, Esperante simple ni povas uzi la ekvivalenton "orelegulo", "egorulo" aŭ "grand-orelulo".

Krom ĉi tiuj plibonecoj de Esperanto, kiuj facile kaj inteligente ekipas nin por konstrui novajn vortojn, ni povas apliki ankaŭ alian kapablecon de Esperanto por konservi lingvojn endanĝerajn: uzado de Esperanton, por tradukado de originala literaturo de aliaj lingvoj facile eblegas.

Kion sube vi vidos, estas la plej fama originala sistana folklor-poemo nomata "Ho, patrineto mia! Via filineto mi estas!" (sistane: Mowka! Me kenja'ke tono!) tradukita Esperante. Sistan-virinoj kantas ĉi malĝojegan poemon dum geedziĝa ceremonio.

[Edziniĝonto kantas]

Ho, patrineto mia! Via filineto mi estas!

Ne lasu ilin forpreni min

Ĉiame mi estis helpanta vin

Ne lasu ilin forpreni min

Ili forprenadas min tra l' vojo Ĝardeneto

Ne lasu ilin forpreni min

Ili forprenadas min, tamburante, trumpetante.

[Ŝia patrino poste kantas]

Ho, karuleto mia! Ho, plejaĝa filino mia!

Ho, karuleto mia! ho, Helpulino mia!

Nune ke ili forprenadas vin, animo mia elbrulas

Nune ke ili forprenadas vin, elploranta mi estas.

[Ŝia fratino poste kantas]

Ho, fratineto mia! Nune ili forprenadas vin!

El la beldomo patra, al la fidom' edza!

Fine, konkludante, disvastigi Esperanton tutmonde, helpemas nin por protektadi kaj promociadi endanĝeritajn lingvojn, dank' al ĝia saĝa kaj simpla gramatiko kaj morfemaro.



Kvankam gajigas vin', kaj vento florparfumon peras,
Dum harpmuzik' ne drinku, ĉar moral-admon' severas!
En la ĉifona vestmaniko la pokalon kaŝu:
Kiel okul' karafa, sangon la epok' liveras.
Se eĉ kunul' vi estas kaj bokalon kaptas mane,
Trinku singarde, ĉar, en ĉi sezon', intrig' prosperas.
Per larmoj ni forlavu vinon desur sufi-vestoj,
Ĉar temp' de l' ŝajnpieco kaj de l' asketism' aperas.
Plezuron ne atendu de l' ĉisfera rotacio,
Ĉar, en ĉi barelkapa puro, feĉo proliferas.
Ĉielo altiginta ne Parvize verŝas sangon,
Sed estas sangogut' de l' Kasra kap' kaj kron' Parviza!
Irakon kaj Persujon vi, Hafezo, venkis verse:
Venu la vico de Bagdado kaj la temp' Tabriza!

گر چه باده فرحبخش و باد گل‌بیز است
به بانگ چنگ مخور مِی؛ که مُحتَسب تیز است
صُراحی‌ای و حریفی گرَت به چنگ افتد
به عقل نوش که ایام فتنه انگیز است
در آستین مُرَقّع پیاله پنهان کن
که همچو چشم صُراحی زمانه خونریز است
به آب دیده بشوییم خرقه‌ها از می
که موسم وَرَع و روزگار پرهیز است
مجوی عیشِ خوش از دور باژگون سپهر
که صافِ این سرِ خُم جمله دُردی آمیز است
سپهر برشده پرویزنیست خون افشان
که ریزه‌اش سر کسری و تاج پرویز است
عراق و فارس گرفتی به شعر خوش حافظ
بیا! که نوبت بغداد و وقت تبریز است